

## مضامین مراثی حسینی در دیوان سید مرتضی

دکتر محمود شکیب<sup>1</sup>، دکتر محمد اسمعیل زاده<sup>2</sup>

### چکیده

أبو القاسم علی بن أبی أحمد الحسین (355هـ - 436هـ) معروف به سید مرتضی، از فقها و متکلمان بزرگ شیعه امامیه و سرآمد در بسیاری از علوم مانند فقه، اصول، کلام، ادبیات، لغت و شعر، روزگار خویش بود. وی عمر شریف خویش را تنها به فراگیری علوم و تدریس و تألیف کتاب و رساله گذراند و پس از برادرش سید رضی با کراهت، نقابت علویان را بر عهده گرفت. شعر سید مرتضی آینه تمام نمای روزگارش است؛ زیرا به اندازه کافی ثروتمند بود و نیازی به سرودن اشعار متکسبانه و تملق‌گویی نداشت. وی شاعری توانا و زبان آور بود ولی در شعر به شهرت و آوازه برادرش سید رضی نرسید و شاید تلاش حاسدان و دشمنانش یکی از علل آن باشد.

سید مرتضی 14 قصیده کوتاه و بلند مستقل جمعاً در 696 بیت برای جدش حضرت امام حسین (ع) مرثیه سروده است. در این مراثی سوزناک که به طور معمول، آنها را در روز عاشورا می‌سروده، از مبانی فکری شیعه و از آرمان‌های آن دفاع کرده و تشیع مخلصانه خود را به نمایش گذارده است. بررسی مضامین مراثی حسینی سید مرتضی اهمیتی خاصی دارد؛ چرا که با پرداختن به آن معلوم خواهد شد وی کدامین واقعیات تاریخی را یادآور شده و چگونه بر امام حسین (ع) و یاران باوفایش گریسته و چه عبرت‌هایی را فرا روی خوانندگان اشعار خویش قرار داده است.

**کلیدواژه‌ها:** رثا، شعر عربی، مراثی حسینی، سید مرتضی .

1. دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

2. دانش آموخته واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران

تاریخ پذیرش: 88/7/15

تاریخ دریافت: 87/6/30

## مقدمه

أبوالقاسم علی بن أبی أحمدالحسین که از او با القابی چون شریف، مرتضی، ذوالمجدین، علامه المفسرین، شیخ الأدباء، علم الهدی وذوالثمانین (خوانساری، ص 286) یاد می شود، به سال 355 هجری قمری در محله باب المَحْوَل بغداد چشم به دیدار جهان گشود. پدرش أبوأحمد حسین - که بهاء الدوله آل بویه وی را به طاهر اُوحَد ذوالمناقب ملقب ساخته بود - نقیب علویان و امیرالحاج بوده و به کلیه امور سادات رسیدگی می کرد. نسب وی با پنج واسطه به حضرت موسی بن جعفر (ع) هفتمین امام شیعیان می رسد. ابوأحمد مردی صلح طلب، بانفوذ و دارای منزلت اجتماعی زیاد و حتی باهویت از خلفا بود (مرکزالبحوث، مقدمه مسائل الناصریات، ص 10) در اواخر عمر نابینا شد و به سال 400 هجری در 97 سالگی در شهر بغداد رخت از جهان بریست و سیدمرتضی و برادرش سید رضی را داغدار ساخت و سیدمرتضی درسوگ او قصیده ای 42 بیتی سرود. وی در بخشی از این قصیده می گوید:

وَلَا تَنْتَظِرُوا مِنِّي ارْتِيَا حَاً      فَقَدْ ذَهَبَ ابْنُ مُوسَى بِارْتِيَا حِي  
لَوَانِي مَا لَوَانِي عَنِ مُرَادِي      وَحَالَ الدَّهْرُ دُونَ مَدْيِ اقْتِرَا حِي

(دیوان الشریف المرتضی، ج 1، ص 280)

مادرش فاطمه بنت أبی محمد الحسن ملقب به ناصر صغیر از نوادگان حضرت علی بن الحسین چهارمین امام شیعیان، توجه خاصی به او و برادرش سید رضی می کرد به ویژه پس از آن که پدریچه هایش به دستور عضدالدوله آل بویه در سال 369 هجری در قلعه ای واقع در شیراز زندانی شده و اموالش مصادره گشت، وی نزد فقیه بزرگ شیعه محمد بن محمد بن نعمان عکبری ملقب به شیخ مفید رفت و از او درخواست کرد تا به فرزندانش علم فقه بیاموزد و شیخ مفید به دنبال رؤیای صادقه ای که دیده بود این کار را با کمال میل پذیرفت (محبی الدین، 1373، ص 54 و محسن امین، 1403، ج 8، ص 214). شیخ مفید بعدها به درخواست این بانوی بزرگوار کتابی تحت عنوان «أحكام النساء» به نگارش درآورد (جعفری، ص 32) سیدمرتضی نحو عربی را نزد ابن نباته سعدی

وفقه و اصول را نزد شیخ مفید و حدیث را نزد ابن بابویه قمی و معانی شعرو ادبیات و لغت را نزد مرزبانی کاتب فرا گرفت .

سیدمرتضی مردی لاغراندام، خوش قیافه، سپیدچهره، حاضر جواب، تیزهوش، بردبار، مصلحت بین، صبور و باگذشت و بخشنده و زاهد بود. بیشتر به ادله عقلی مطابق با کتاب و سنت گرایش داشت و هرگز به اخبار ضعیف اعتنا نمی کرد (التونجی، مقدمه دیوان، ص 10). سید برخلاف برادرش سیدرضی هیچ علاقه‌ای به مناصب حکومتی نداشت و عمرشریف خویش را تنها به فراگیری علوم و تدریس و تألیف کتاب و رساله گذراند. او پس از برادرش سید رضی با کراهت و به ناچار، نقابت علویان و رسیدگی به امورسادات را برعهده گرفت.

سخن شاگرد نابغه‌اش، شیخ طوسی، که می گوید: سید مرتضی در علوم بسیاری چون فقه و اصول و حدیث و کلام و تفسیر و ادبیات و لغت و شعر، یگانه روزگار خویش بود و همگان به فضل او اذعان داشتند (مقدمه مسائل الناصریات، ص 15) و اعتراف ثعالبی دانشمند معاصر او که می گوید: امروز در بغداد از لحاظ مجد و شرف و علم و ادب و فضل و کرم، ریاست به وی رسیده است؛ (جعفری، ص 35)، ما را از صحبت کردن درباره منزلت علمی او بی نیاز می سازد.

سید مرتضی سرودن شعر را از دوران کودکی آغاز کرد. شعر او آینه تمام نمای روزگارش است؛ زیرا سید به اندازه کافی ثروتمند بود و نیازی به سرودن اشعار متکسبانه و تملق گویی نداشت. وی شاعری توانا و زبان آور بود ولی در شعر به شهرت و آوازه برادرش سید رضی نرسید و شاید تلاش حاسدان و دشمنانش یکی از علل آن باشد (عبدالسلام هارون، ص 10). حاسدان، صفاتی چون بخل و تکبر را به وی نسبت دادند ولی تاریخ گواه است که ساحت وی از بخل و تکبر میراست و او پناهگاه مردم در سال‌های قحطی، و پشتیبان علم و دانش بود. سید بخشی از خانه بزرگ خود را به صورت مدرسه درآورده و آن را «دارالعلم» نامید؛ اهل علم از کتابخانه اش که دوستش ابوالقاسم تنوخی شمار کتابهای آن را بیش از هشتاد هزار نوشته، بهره مند می شدند (الخوانساری، ج 4، ص 286). سید برای شاگردانش به فراخور نیاز و استعداد آنان مقرر

معین کرده بود که هرماه به آنان می پرداخت (صفار، ص 53) برای مثال به شاگردش، شیخ طوسی، ماهیانه دوازده دینار می پرداخت؛ و نقل است که او سود یکی از روستاهای خود را وقف خرید کاغد فقها کرد (الخوانساری، ص 286). وی پس از یک عمر تلاش خستگی ناپذیر و تقدیم آثار گرانسنگ علمی و تربیت شاگردانی چون شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن الحسین معروف به شیخ طوسی، شیخ ابو عبدالله جعفر بن محمد دوریستی، شیخ ابوالحسین هبة الله بن الحسین معروف به ابن حاجب و قاضی ابوالقاسم علی بن المحسن تنوخی، سرانجام در سال 436 هجری قمری در دارالسلام بغداد چشم از جهان فانی فرو بست.

سیدمرتضی در زمینه های مختلف تألیفات فراوان دارد؛ فهرست نویسان، شمار تألیفات او را بیش از هشتاد کتاب و رساله نوشته اند. سید محسن امین صاحب کتاب سترگ «أعیان الشیعه» 89 اثر برای وی بر شمرده است (الأمین، ج 8، ص 219). از مهم ترین آثار چاپ شده وی می توان به کتاب های زیر اشاره کرد:

1- الشافی فی الإمامة وإبطال حُجج العامة: که در آن بحث های کلامی و عقاید شیعه را گردآورده و کتاب «المُغنی» قاضی عبدالجبار معتزلی را نقد و نقض کرده است. (آقا بزرگ طهرانی، ج 13، ص 8).

۲- إنقاذ البشر من الجبر والقدر: که در آن به مسأله قضا و قدر پرداخته و نظر علمای شیعه را بیان کرده است؛ این کتاب در نجف اشرف به سال 1354 هجری با تصحیح علی خاقانی به چاپ رسیده است.

۳- الذریعة إلى أصول الشریعة: این کتاب، درباره اصول فقه است و در زمستان 1376 هجری شمسی با مقدمه و تصحیح دکتر ابوالقاسم گرجی توسط دانشگاه تهران چاپ شده است. سید در آغاز این کتاب می نویسد: «إتی رأیتُ أن أملی کتاباً مُتوسِّطاً فی اصول الفقه... این کتاب را فرید خراسانی تحت عنوان «تلخیص مسائل الذریعة» خلاصه کرده است.

۴- جُمَلُ العلم والعمل یا جُمَلُ العقائد: که در آن به بیان و توضیح اصول و فروع دین پرداخته است.

- 5- **الإنصارُ فی انفرادات الإمامیة:** که آن را برای امیرعمید الدین درباره آن دسته از آرای علمای شیعه که فقهای سایر مذاهب نیز با آنها موافقت و با دلایلی از کتاب و سنت اثبات گردیده، نوشته است .
- 6- **غُرُ الفرائدِ وذُرُّ القلائدِ یا أمالی المرتضی:** این کتاب حاوی مجالس سید درباره ادبیات، تفسیر آیات دشوار و تأویل احادیث مشکل است که در سفر و حضر توسط شاگردانش ثبت شده است. این کتاب اخیراً با مقدمه و تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم توسط انتشارات ذوی القربی قم چاپ شده و فقیه متأله آیه الله حسن زاده آملی آن را پس از «البيان والتبيين» جاحظ، «ادب الکاتب» ابن قتیبه، «الکامل فی اللّغة» میرد و «النوادر» ابوعلی قالی، پنجمین کتاب اصلی ادبیات عربی برشمرده اند. (شریفی، ص 38).
- 7- **البرق:** که درباره ادبیات است و شیخ طوسی در الفهرست از آن نام برده است.
- 8- **المُلخَصُ فی اصول الدّین:** موضوع آن، کلام و اصول دین است و در آن موضوعاتی چون نفی رؤیت خداوند، عدل و اراده آمده است.
- 9- **شرح قصیده السیدالحمیری الباتية المعروفة بالمدّهة:** این کتاب در مصر به سال 1313 هجری چاپ شده است.
- 10- **الشیب والشباب یا الشهاب فی الشیب والشباب:** موضوع کتاب ادبیات بوده، متونی از نظم و نثر درباره پیری و جوانی را در برگرفته است. این کتاب در چاپخانه الجوائب مصر چاپ شده است .
- 11- **المسائل الناصریات فی الفقه:** موضوع آن فقه تطبیقی یا مقارن بوده، 207 مسئله فقهی را در بردارد. این کتاب توسط مجمع جهانی تقریب بین المذاهب با مقدمه محمد مهدی نجفی چاپ شده است.
- 12- **طیف الخیال یا الطیف والخیال:** این کتاب درباره تخیل و خیال است و سید مرتضی در آن از اشعار ابوتمام و بحتری و برادرش سید رضی و دیگران استفاده کرده است .
- 13- **المسائل الطرابلسیة الثانیة:** که آن را در پاسخ به پرسشهای فقهی ابوالفضل ابراهیم بن حسن ابانی تألیف کرده است. این کتاب در المسائل الطرابلسیة الثالثة ادامه یافته است.

## 14- دیوان الشریف المرتضی: که نزدیک به بیست هزار بیت در بردارد .

سرگذشت و فهرست آثار و شرح عقاید وی در کتاب‌هایی چون أعیان الشیعة، روضات الجنات، دائرة المعارف تشیع و کتابهای تاریخ ادبیات عربی و در کتب مستقلاً مانند أدب المرتضی من سیره و آثاره تألیف عبدالرزاق محیی الدین به طور مفصل بیان شده است ولی تاجایی که بنده اطلاع دارم دربارهٔ مراثی حسینی سیدمرتضی کتاب یا رسالهٔ مستقلاً به تحریر در نیامده است. مراثی حسینی سید که در 14 قصیده جمعاً به تعداد 696 بیت سروده شده است به دقت مورد بررسی قرار گرفته و موضوع قصاید طبقه بندی گردیده است تا معلوم گردد که وی در مراثی حسینی به کدام موضوعات پرداخته است.

## مراثی یا سوگ سروده های حسینی سید مرتضی :

سیدمرتضی انسانی وفادار و با احساس و دور اندیش بود و رثا یکی از صادق ترین و بهترین انواع شعر در دیوان سترگش است. او در سوگ خویشاوندان و دوستان و خلفا و وزیران و دولتمردان و وابستگان آنان حدود 78 قصیده در 2882 بیت سروده است. سید مرتضی به عنوان فقیه و متکلم و شاعر شیعه چنان که گفتیم با 14 قصیده کوتاه و بلند مستقل جمعاً در 696 بیت برای جدش حضرت امام حسین (ع) مرثیه سروده است. در این مراثی حسینی که به طور معمول، آنها را در روز عاشورا می‌سروده، از مبانی فکری شیعه و از آرمان‌های آن دفاع کرده و تشیع مخلصانه خود را به نمایش گذارده است. ویژگی‌های بارز مراثی حسینی سید مرتضی عبارتند از:

- تنوع بحور عروضی؛ به طوریکه 4 قصیده در بحر طویل، 3 قصیده در بحر سریع، 2 قصیده در بحر رمل، یک قصیده در بحر بسیط، یک قصیده در بحر وافر، یک قصیده در بحر خفیف و 2 قصیده در بحر کامل وجود دارد. سیدمرتضی از اوزان شعری هماهنگ با موضوعات قصاید استفاده کرده است .

- استفاده از واژگان، تعبیرات، تشبیهات، استعارات و کنایات ساده و مأنوس و بیشتر قرآنی.

- استفاده از آیات قرآن و احادیث مأثوره جهت اثبات حقایق اهل بیت (ع) به ویژه امام حسین (ع). شایان ذکر است که استفاده از قرآن و حدیث، اغلب به شکل اقتباس، تلمیح و تضمین مفاهیم بوده است؛ برای مثال در بیت

تَقُولُونَ لِي صَبْرًا حَمِيلاً وَلَيْسَ لِي عَلِي الصَّبْرِ إِلَّا حَسْرَةً وَتَلَهُفُ

(دیوان، ج 2، ص 318)

شاعر از آیه 5 سوره مبارکه معارج «وَصَبِرْ صَبْرًا حَمِيلاً» اقتباس کرده است.

یا عبارت «جَنَاتِ عَدْنِ» در بیت

فَإِنْ تَرَهُمْ فِي الْقَاعِ نَثْرًا فَشَمَلُهُمْ بِجَنَاتِ عَدْنٍ جَامِعٌ مُتَأَلِّفٌ

(دیوان، ج 2، ص 319)

مقتبس از آیات قرآنی مثل آیه 8 سوره مبارکه بینه «جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَاتٌ عِدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» و واژه «غداً» در بیت

لَيْسَ عُدْرٌ لَكُمْ فَيَقْبَلُهُ اللَّهُ غَدًا يَوْمَ يَقْبَلُ الْأَعْدَارَا

(دیوان، ج 2، ص 22)

کنایه از روز قیامت است که در آیه 26 سوره مبارکه قمر «سَيَعْلَمُونَ غَدًا مِنَ الْكَذَابِ الْأَشْرُ» به همین معنا به کار رفته است. در بیت

قَدَسَبَرْنَاكُمْ فَكُنْتُمْ سَرَابًا وَخَبَرْنَاكُمْ فَكُنْتُمْ خَبَارًا

(دیوان، ج 2، ص 20)

عبارت کنایی «كُنْتُمْ سَرَابًا» از آیه 20 سوره مبارکه نبا «وَسَيَّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا» مقتبس است. و چنین است کلمات «بیت» در

لَكُمْ أَمْ لَهُمْ بَيْتٌ بَنَاهُ عَلِي الثَّقَفِي وَيَبْتُ لَهُ ذَاكَ السَّنَارُ الْمُسْحَفُ

(دیوان، ج 2، ص 321)

که کنایه از کعبه معظمه است و «الکوثر» در

حَلَّائِمٍ بِالطَّفِّ قَوْمًا عَنِ الْـ      مَاءٍ فَحَلَفْتُمْ بِهِ الْكَوْثَرِ

(دیوان، ج 2، ص 15)

و «آل یاسین» در بیت

آلَ يَاسِينَ وَمَنْ فَضَّـ      لُهُمْ أَعْيَا اللَّبِيَا

(دیوان، ج 1، ص 61)

و «حَطَبِ النَّارِ» در بیت

فَهُوَ وَإِنْ فَازَ بِهَا عَاجِلًا      مِنْ حَطَبِ النَّارِ وَلَا يَدْرِي

(دیوان، ج 2، ص 129)

و «الذِّكْرِ» به معنای قرآن کریم در بیت

وَاطْرَحُوا التَّهَجَّ وَلَمْ يَحْفَلُوا      بِمَا لَكُمْ فِي مُحْكَمِ الذِّكْرِ

(دیوان، ج 2، ص 128)

و ابیات زیر

لَقِيَ اللَّهَ وَظَنَّ النَّـ      سَ أَنْ لَاقِيَ شَعُوبًا  
وَهُوَ فِي الْفِرْدَوْسِ لَمَّا      قِيلَ قَدْ حَلَّ الْجُبُوبَا

(دیوان، ج 1، ص 62)

تضمین و برگرفته از آیه 169 سوره مبارکه آل عمران «لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزَقُونَ» است. و بیت

وَكُلُّ كَرِيمٍ لَا يَلُمُّ بَرِييَةً      فَإِنْ سِيمَ قَوْلَ الْفَحْشِ قَالَ حَمِيلاً

(دیوان، ج 3، ص 53)

اشاره به آیه 55 سوره مبارکه قصص «وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ» و بیت

فَلِلْخَيْرِ وَإِنْ آثَرْتُمْ الْخَيْرَ مَوْضِعٌ      وَلِلشَّرِّ إِنْ أَحْبَبْتُمْ الشَّرَّ مَوْقِفٌ

(دیوان، ج 2، ص 323)



اشاره به آیه 184 سوره مبارکه بقره «فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ» و عبارت «حُسِدْتُمْ الْفَضْلَ» در بیت

حُسِدْتُمْ الْفَضْلَ لَمْ يُحْرِزْهُ غَيْرُكُمْ  
وَالنَّاسُ مَا بَيْنَ مَحْرُومٍ وَمَحْسُودٍ  
(دیوان، ج 1، ص 402)

اشاره به آیه 54 سوره مبارکه نساء «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» است. و در بیت:

صَلَّى عَلَيْكُمْ رَبُّكُمْ وَارْتَوَتْ  
قُبُورُكُمْ مِنْ مُسْبِلِ مُثَجِّمٍ  
(دیوان، ج 3، ص 368)

تلمیح به آیه 56 سوره مبارکه احزاب «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ» وجود دارد. وقتی که این آیه نازل گردید، درباره کیفیت صلوات از رسول خدا (ص) پرسیدند که حضرت فرمودند: قُولُوا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تُصَلُّوا الصَّلَاةَ الْبِتْرَاءِ. پرسیدند: صلاة بتراء چیست؟ حضرت فرمودند: تَقُولُونَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ (القندوزی، ج 2، صص 4-433).  
در بیت:

لَمْ يَكُونُوا زَيْنًا لِقَوْمِهِمُ الْعُرَّ  
وَلَكِنَّ شَيْنًا طَوِيلًا وَعَارًا  
(دیوان، ج 2، ص 21)

تلمیح به این سخن حضرت امام صادق (ع) «كُونُوا لِنَا زَيْنًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا (العاملی، ج 15، ص 245) است. و یا در بیت:

فَدَجَّلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ كَمَا  
عَلِمْتُمْ الْمَبْعَثَ وَالْمَحْشَرَا  
(دیوان، ج 2، ص 16)

تلمیح به حدیث شریف نبوی «یا علی! أَنْتَ قَسِيمُ النَّارِ وَالْجَنَّةِ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ تَقُولُ لِلنَّارِ هَذَا لِي وَهَذَا لَكَ» (القندوزی، ج 2، ص 403) و بیت

وَتَيَقَّنُوا أَنَّ الْحَيَا  
دَمَعَ الْمَذَلَّةِ كَالْمَمَاتِ  
(دیوان، ج 1، ص 209)

تلمیح به سخن معروف امام حسین (ع) «هیهات منا الذلة» و در  
أحواضهم مَرُودَةٌ فَعَدُوُّهُمْ يُحَلًّا وَأَصْحَابُ الْوَلَايَةِ تَرَشُّفُ

(دیوان، ج 2، ص 319)

تلمیح به حدیث شریف نبوی «یا علی! أنتَ وشِيعَتُكَ تَرُدُونَ عَلَيَّ الْحَوْضَ رِوَاءَ مَرَضِيئِينَ مَبِيضَةٍ وَجُوهِكُمْ وَإِنَّ أَعْدَاءَكُمْ يَرُدُّونَ عَلَيَّ الْحَوْضَ ظَمَاءً مُقْمَحِينَ» (الأنطaki، ص 385) وجود دارد.

- کثرت استفاده از نام اشخاص، حیوانات، گیاهان، ابزار جنگی و جای‌ها. برای نمونه درمراثی از اعلام اشخاص به نام‌های شمر، ابن سعد، زیاد، حرب، أمیه، داود، أحمد واز نام جای‌ها به بدر، حنین، عرفات، عکاظ، زمزم، منی، کربلا، طیبه، فرات، أنعم، أم القری، خیبر و جمرات و از نام حیوانات به ذئب، قشعم، لیث، حصان، ناقه، أجدل، عقاب، نسر، صقر، کمیت، ضبع، صلال و طاط و از نام گیاهان و درختان به دوحه، نوار، ورس، عَندم، علقم، ریحان و ایک و از نام ابزار جنگی به فنا، رماح، سنان، سیف و درع (اسمعیل زاده، ص 598 تا ص 609) اشاره کرده است.

- رعایت ادب کلامی و عدم استفاده از واژه‌های مستهجن یا رکیک و زننده برای هجو دشمنان.

### مضامین مراثی حسینی سید مرتضی

در هر حال، بررسی مضامین مراثی حسینی سید مرتضی به عنوان یکی از فقها و متکلمان برجسته شیعه امامیه اهمیت خاصی دارد؛ چرا که با پرداختن به آن معلوم خواهد شد وی کدامین واقعیات تاریخی را یادآور شده و چگونه بر امام حسین (ع) و یاران با وفایش گریسته و چه عبرت‌هایی را فرا روی خوانندگان اشعار خویش قرار داده است. مضامین مراثی حسینی سید مرتضی وسیر و ترتیب آنها چنین است:

#### 1- درنگ غمبار در منازل ویران آل البيت (علیهم السلام):

سید مرتضی، به سنت شعر عربی وفادار بود لذا به پیروی از شاعران بزرگ عرب در خرابه‌های منازل یاران که دست روزگار، آنها را به این روز انداخته و نیز در سرزمین طف با حسرت و گریه ناقه را نگه می‌دارد و از خرابه‌های خشک برجای مانده درباره

ساکنانِ اهل نماز و روزه اش که در کنار رود فرات تشنه ذبح شدند سؤال می کند و می گوید :

«قِفِ بِالْدِّيَارِ الْمُقْفِرَاتِ لَعِبَتْ بِهَا أَيْدِي الشَّنَاتِ  
عُجَّ بِالْمَطَايَا النَّاحِلَاتِ تِ عَلِي الرُّسُومِ الْمَاحِلَاتِ  
وَأَسْأَلُ عَنِ الْقَسْتَلِي الْأَلِي طُرِحُوا عَلِي شَطَطَ الْفِرَاتِ»

(دیوان، ج 1، ص 207)

و در ابیات آغازین مرثیه‌ای دیگر، از دیدن منازل خالی ازسکنه یاران اندوهگین شده و اشتران لاغرمیانی را که شب نوردی و سفرهای طولانی پاهایشان را زخمی کرده است نگه می‌دارد و چنین گریه سر می‌دهد:

«أَمَّا تَرِي الرَّبْعَ الَّذِي أَقْفَرَا عَرَاهُ مِنْ رَبِيبِ الْبَلْبِي مَا عَرَا  
وَقَفْتُ فِيهِ أَيُّقَاتًا ضَمَّرَا شَذَّبَ مِنْ أَوْصَالِهِنَّ السُّرْيَا»

(همان، ج 2، ص 13)

2- بیان درد بی درمان و غم و اندوه سوزنده چون زبانه آتش و توصیف سیل اشک و گریه بی اختیار و گوش ن سپردن به ملامت یا نصیحت کسانی که وی را به صبر و شکیبایی فرا می خواندند در ابیاتی مانند

«مَنْ عَذِيرِي مِنْ سَقَامٍ لَمْ أَجِدْ مِنْهُ طَبِيبًا  
وَهُمْ مَوْجٌ كَأَوَارِ النَّوْءِ أَرِ يَسْكُنُ الْقُلُوبَا»

(همان، ج 1، ص 57)

تَقُولُونَ لِي: صَبْرًا حَمِيلًا وَلَيْسَ لِي عَلَي الصَّبْرِ إِلَّا حَسْرَةٌ وَتَلَهُفُ

(همان، ج 2، ص 318)

و اشک، بی اختیار از ابر دیدگان فرو می‌ریزد و گویی که می‌خواهد با باران مسابقه دهد:

فَلِي دُمُوعٌ تُبَارِي الْقَطْرَ وَكَفَّةً جَادَتْ وَإِنْ لَمْ أَقُلْ يَا أَدْمُعِي جُودِي

(همان، ج 1، ص 404)

فَلَوْ نَهَيْتَ الدَّمْعَ عَنِ سَحِّهِ وَالدَّارُ وَحَشٌّ لَمْ تُطْعِ أَمْرِي

(همان، ج 2، ص 125)

وَدَمَعٍ إِذَا حَسَبْتَهُ عَنْ سَبِيلِهِ      يَعُودُ هَتُونًا فِي الْجُفُونِ هَطُولًا  
(همان، ج 3، ص 50)

4- اعلان عاشورا به عنوان روز سوگ و عزا و روزی که مصائب زیادی بر آل البيت عليهم السلام فرود آورد در ابیاتی مانند:

إِنَّهُ يَوْمٌ نَحِيبٌ      فَالْتَرَمِ فِيهَا النَّحِيبِيَا  
(همان، ج 1، ص 58)

«قَدْ أَتَى مِنْ يَوْمٍ عَاشُوا      رَاءَ مَا كَانَ بَغِيضًا  
دَعَّ نَشِيحِي فِيهِ يَعْلُو      وَدُمُوعِي أَنْ تَفِيضًا»  
(همان، ج 2، ص 202)

أَيَا يَوْمٍ عَاشُورَا كَمْ مِنْ فَجِيعَةٍ      عَلَيَّ الْغُرَّ آلِ اللَّهِ كُنْتَ نَزُولًا  
(همان، ج 3، ص 53)

4- اشاره به سخت و گرانبار بودن مصیبت عاشورا برای شیعیان، دین اسلام، پیامبر اکرم (ص) و آل البيت عليهم السلام، مصائبی که مثل دیگر مصائب نیست و چنان اندوهبار و کمر شکن است که مصائب دیگر را از یاد می برد و انسان را زودتر پیر می کند در ابیاتی مانند:

وَرُزْءٌ حَمَلَتْ الثَّقَلَ مِنْهُ كَأَنِّي      مَدَى الدَّهْرِ لَمْ أَحْمِلْ سِوَاهُ تَقِيَلًا  
(همان، ج 3، ص 366)

«وَحُطُوبٌ مُعْضِلَاتٌ      بَيْنَ يَنْسِينِ الْخُطُوبَا  
شَيْبَتٌ مَنِّي فَوَدِي      وَوَلَمَّ آتِ الْمَشِيْبَا  
إِنَّ يَوْمَ الطَّفِّ يَوْمٌ      كَانَ لِلدَّيْنِ عَصِيْبَا»  
(همان، ج 1، ص 57)

وَرَزِيَّةٌ لِلدَّيْنِ لَيْسَ      سَتَ كَالرَّزَايَا الْمَاضِيَاتِ  
(همان، ج 1، ص 209)

مُصِيبَةٌ سَيَقَتْ إِلَى أَحْمَدٍ      وَرَهْطِهِ فِي الْمَلَأِ الْأَعْلَى  
(همان، ج 3، ص 366)

5- شکایت از روزگاری که کام انسان را با فراق و دوری یاران و نیز مصائب، تلخ می سازد و گاهی به اشتباه، ناهلان را برمسند قدرت می نشاند؛ در ابیاتی مانند:

وَسَقَانِي الدَّهْرُ مِنْ فُرِّ قَهٍ مَنْ أَهْوَى ذُنُوبًا

(همان، ج 1، ص 57)

كَأَنْتَ مِنَ الدَّهْرِ بِكُمْ عَثْرَةٌ لَا بُدَّ لِلسَّابِقِ أَنْ يَعْتَرَا

(همان، ج 2، ص 15)

6- بیان فضایل آل البيت بویژه امام حسین (ع) و یاران باوفایش؛ و هیچ مرثیه ای از مراثی حسینی سیدمرتضی از بیان فضایل آل البيت علیهم السلام و ذکر فضایح امویان خالی نیست ولی مقدار آن در هر قصیده فرق می کند. آل البيت علیهم السلام در حیات دنیوی خود جز نیکی و مردم داری نشناختند و بخشش و احسان در نهاد و سرشتشان بود:

«لَمْ يَعْرِفُوا غَيْرَ بَثِّ العُرْفِ بَيْنَهُمْ عَفْوًا وَلَا طُبْعُوا إِلَّا عَلِي الجُودِ

آنان دلاوران آشنا به فنون نبرد بودند و پس از آنکه با ضربات نیزه و شمشیر، بسیاری از پهلوانان دشمن را بر خاک مذلت افکندند سرانجام خود به شهادت رسیدند:

لَمْ يَطْعَمُوا المَوْتَ إِلَّا بَعْدَ أَنْ حَطْمُوا بِالضَّرْبِ وَالطَّعْنِ أَعْنَاقَ الصَّنَادِيدِ»

(همان، ج 1، ص 401)

آنان شفا دهنده دردهای مردمند:

وَبِهِمْ يَبْرَأُ مَنْ كَانَتْ - وَ قَدْ ضَمِيمُوا - مَرِيضًا

(همان، ج 2، ص 204)

آنان بودند که عرب را از حضيض جهالت و خواری به بلندای عزت کشانیدند:

وَهُمْ نَشَطُواكُمْ مِنْ كُلِّ ذُلٍّ حَلَلْتُمْ وَسَطَ عَقْوَتِهِ انْتِشَاطًا

(همان، ج 2، ص 217)

آنان حجّت پروردگار بر عرب و غیر عربند و در خانه هایشان قرآن نازل شده است و فرشتگان مقرب به منازلشان رفت و آمد کرده اند:

«مَهَابِطُ الأَمَلَاكِ أَيْبَاتُهُمْ وَمُسْتَقَرُّ المُنْزَلِ المُحَكَّمِ  
فَأَنْتُمْ حُجَّةُ رَبِّ الوَرَى عَلِي فَصِيحِ التُّطْقِ أَوْ أَعْجَمِ»

(همان، ج 3، ص 367)

آنان کسانی هستند که صالحان و ولایتمداران، در قیامت از حوض آنان سیراب می‌شوند و آنان بودند که لحظه‌ای حضرت پیامبر (ص) را در نبردها تنها نگذاشتند و خیب و بدر و حنین گواه است:

«وَأَحْوَاضُهُمْ مَوْرُودَةٌ فَعَدُوَّهُمْ  
يَحِلُّ وَأَصْحَابُ الْوَلَايَةِ تَرَشُّفُ  
وَأَنْتُمْ نَصْرْتُمْ أَمْ هُمْ يَوْمَ خَيْبَرٍ  
تَبَيَّنَكُمْ حَيْثُ الْأَسِنَّةُ تَرَعُفُ  
لَهُمْ دُونَكُمْ فِي يَوْمِ بَدْرٍ وَبَعْدَهَا  
بِيَوْمِ حُنَيْنٍ كُلَّمَا لَا يَزْحَلْفُ»  
(همان، ج 2، صص 319-320)

فضایل آنان آنقدر زیاد است که خرد و رزان از شمردن آن ناتوانند:

آلِ يَاسِينَ وَمَنْ فَضَّلَ  
لَهُمْ أَعْيَا اللَّبِيْبَا  
(همان، ج 1، ص 61)

7- بر شمردن اعمال زشت امویان مثل خیانت در حق آل‌ال‌بیت علیهم‌السلام، مکرونی‌رنگ و غصب و نالان کردن اولاد رسول‌الله (ص) سپس تهدید و نفرین کردن آنان. امویان همچون کرکس و کفتارهای درنده پیکرهای مبارک شهدا را پاره پاره کردند:

وَكَمْ جَرِيحٍ بِلَا آسٍ تُمَزَّقُهُ  
إِمَّا التُّسُورُ وَإِمَّا أَضْبُعُ الْبَيْدِ  
(همان، ج 1، ص 401)

وزنان و اولاد رسول‌الله (ص) را گریان و نالان گذاردند:

وَنِسَاءِ رَسُولِ اللَّهِ عُقْرَ دِيَارِكُمْ  
يُرْجَعْنَ مِنْكُمْ لَوْعَةً وَغَوِيلاً  
(همان، ج 3، ص 51)

آنان دینشان را به بهای اندکی فروختند و خواری و آتش جهنم را خریدند؛ کاری که هیچ عاقلی آن را انجام نمی‌دهد:

وَكَيفَ بَعْتُمْ دِينَكُمْ بِالَّذِي اسْتَحَقَّرَا  
تَرْزَةَ الْحَازِمِ وَاسْتَحَقَّرَا  
(همان، ج 2، ص 15)

و باید روزی حساب پس بدهند؛ در آن روز، فضا خاک آلود خواهد شد و آنان در برابر سیل خروشان خشم امت، چون برگ‌های ریزان به دست باد خواهند بود:

«وَلَا بُدَّ مِنْ يَوْمٍ بِهِ الْجَوُّ أَعْبَرُ  
وَفِيهِ الثَّرَى مِنْ كَثْرَةِ الْقَتْلِ أَحْمَرُ  
وَأَنْتُمْ بِمُجْتَازِ السُّيُولِ كَأَنَّكُمْ  
هَشِيمٌ بِأَيْدِي الْعَاصِفَاتِ مُطْبَرُ»  
(همان، ج 2، ص 77)

سپس به نفرین کردن آنان پرداخته می‌پردازد و می‌گوید خداوند آنان را لعنت کند که پاسخ خوبی‌های آل‌البت علیهم‌السلام را به بدی دادند:

لَحَا اللَّهُ قَوْمًا لَمْ يُجَازُوا حَمِيلَكُمْ      لِأَنَّكُمْ أَحْسَنْتُمْ وَأَسَاؤُوا

(همان، ج ۱، ص ۲۷)

آنان که آب را از امام حسین (ع) و یارانش دریغ کردند حسرت آب گوارا را بکشند و روی آسایش نبینند و پیوسته در رنج و عذاب باشند:

«وَلَا شَرِبْتُمْ بِصَفْوٍ لَا وَلَا عَلَقْتُمْ      لَكُمْ بَنَانٌ بِأَزْمَانٍ أَرَاغِي  
وَلَا ظَفَرْتُمْ وَقَدَّجْتُمْ بِكُمْ نُوبٌ      مُقَلِّقَاتٍ بِتَمْهِيدٍ وَتَوَطِيدٍ»

(همان، ج ۱، ص ۴۰۴)

الهی که روزگار نام و آوازه آنان را بلند نکند و خداوند از گناهانشان در نگذرد و آنان از پل صراط نتوانند عبور کنند:

«وَلَا رَفَعَ الزَّمَانُ لَكُمْ أَدِيمًا      وَلَا اِزْدَدْتُمْ بِهِ إِلَّا الْخَطَا  
وَلَا غَفَرَ إِلَهُ لَكُمْ ذُنُوبًا      وَلَا جُرْتُمْ هُنَالِكُمُ الصِّرَاطَا»

(همان، ج ۲، ص ۲۱۸)

۸ - **فخر**: سید به کسانی که نمی‌دانند چه چیزی مایه فخر و مباهات آدمی است می‌گوید: جامه‌های زربفت و پرنقش و نگار مایه فخر نیست بلکه فخر ما به رسول‌الله (ص) است که قرآن کریم براو نازل شده و خانه اش محل رفت و آمد فرشتگان مقرب بود:

«وَمَا فَخْرُنَا يَا مَنْ يَجْهَلُ الْفَخْرَ لِلْفَتَى      قَمِيصٌ مُوشَى أَوْ رِداءٌ مُفَوِّفٌ  
وَمَا فَخْرُنَا إِلَّا الَّذِي هَبَطَ بِهِ إِلَهُ      سَمَلَاتِكُ أَوْ مَا قَدَحَوْي مِنْهُ مُصْحَفٌ»

(همان، ج ۲، ص ۳۲۳)

۹- ابراز دشمنی با امویان و آرزوی فرجام بد برای آنان در دنیا و آخرت: شاعربه حمایت زبانی از آل‌البت علیهم‌السلام بسنده نمی‌کند و آرزو دارد که در میدان جنگ با تیغ و نیزه در راه آنان به جنگد و جان خود را فدای ایشان بکند:

«وَلَمْ أَكُنْ أَقْنَعُ فِي نَصْرِكُمْ      بِنَظْمِ آيَاتِ مِنَ الشُّعْرِ  
رَأَيْتُمُونِي وَالْقَنَا شَرَّعٌ      أَبْدَلُ فِيهِنَّ لَكُمْ نَحْرِي»

(همان، ج ۲، ص ۱۳۰)

و یقین دارد که در فردایی نزدیک حقوقِ غضبِ شده‌ی آل‌البت علیهم السلام به آنان برخواهد گشت:

«فِي غَدٍ يَنْضَبُ تَيْبٌ      سَارٌ لَكُمْ فَمِنَا نُضُوبًا  
وَيَعُودُ الْخَلْقُ الرَّثُّ      ثٌ مِنَ الْأَمْرِ قَشِيبًا  
وَالَّذِي أَضْحَى وَأَمْسَى      نَاكِبًا يَضْحَى نَكِيبًا»

(همان، ج 1، ص 61)

10- اشاره کنایی به اقدام عباسیان در غضب حق خلافت:

امویان با ظلم و ستم و با زور، براشتر خلافت که صاحب حقیقی آن اهل‌البت علیهم السلام بودند سوار شدند، سپس عباسیان با نیرنگ و سیاست بر آن سوار شدند. آنان با ظلم در دارالخلافت برمسند قدرت تکیه زده‌اند و شمرهای زمان هنوز حقوق برحق آل‌البت علیهم السلام را غضب می‌کنند:

رَكِبُوا أَعْوَادَنَا ظُلْمًا      مَاءً وَمَا زَلْنَا رُكُوبًا

(همان، ج 1، ص 58)

بِالدَّارِ ظُلْمًا غَيْرُ سُكَّانِهَا      وَقَدْ قَرَى مَنْ لَمْ يَكُنْ يَقْرَى

(همان، ج 2، ص 127)

كَمْ لَكُمْ مِنْ بَعْدِ شِمْرِ مَرِيٍّ      دِمَاءُكُمْ فِي التُّرْبِ مِنْ شِمْرِ

(دیوان، ج 2، ص 129)

11- نکوهش کوفیان به عهد شکنی و خیانت ورزی:

در بسیاری از ابیات خود به نکوهش کوفیان می‌پردازد و خطاب به آنان می‌گوید: ای کوفیان بی وفا! این شما بودید که با گسیل داشتن نامه‌های بسیار، امام (ع) را به شهروندیار خود فرا خواندید و به او قول یاری دادید و او کریمانه، پاسخ شما را اجابت کرد ولی شما با سپاه بزرگ و مجهز و با شمشیرهای برکشیده به استقبال او رفتید:

جَاؤُوا إِلَيْكُمْ وَقَدْ أَعْطَوْا عَهْدَهُمْ      فِي فَيْلِقٍ كَرْهَاءِ اللَّيْلِ مَمْدُودِ

(همان، ج 1، ص 402)

فَمَا زِلْتُمْ حَتَّى أَجَابَ نِدَاءُكُمْ      وَأَيَّ كَرِيمٍ لَا يُجِيبُ سَوْوَلًا؟

(همان، ج 3، ص 52)

12- به تصویر کشیدن گوشه‌هایی از رخداد های دردناک و جانسوز دشت نینوا که توسط امویان و کوفیان به وقوع پیوست. آنان سر مبارک امام حسین (ع) را از تن جدا ساخته و



بر نیزه کردند و سر مبارک او چون خورشیدی در آسمان نیزه می‌درخشید و نیز  
برپیکرزخمی او ویارانش اسب تاختند :

«رُفِعَ الرَّأْسُ عَلٰی عَا لِي الْقَنَا يَحْكِي الْوَمِيضَا  
وَإِنِّي الْجِسْمُ لِعُجْرٍ الْ خَلِيلٍ بِالْعَدُوِّ رَضِيضَا»

(همان، ج 2، ص 204)

واهل بیت او ویارانش را به اسارت بردند و غلّ و زنجیر بردست و پاهایشان زدند :

«فَإِمَّا سَيْبِي بِالرَّمَّاحِ مُسَوِّقٌ وَإِمَّا قَتِيلٌ فِي الثَّرَابِ مُعْفَرٌ  
وَجَرَحِي كَمَا اخْتَارَت رِمَاحٌ وَأَنْصَلُ وَصَرَغِي كَمَا شَاءَتْ ضِبَاعٌ وَأَنْسُرُ»

(همان، ج 2، ص 76)

13- اشاره به برخی از عادات عرب در سوگ مثل برداشتن عمامه در بیت

قَدَقَلْتُ لِلْقَوْمِ حَطُّوْا مِنْ عَمَائِمِهِمْ تَحَقُّقًا بِمُصَابِ السَّادَةِ الصَّيْدِ

(همان، ج 2، ص 404)

14- رد کردن وجود هرگونه قرابت میان علویان و امویان و عباسیان در ابیاتی چون

وَقَلْتُمْ عُنُصْرُنَا وَاحِدٌ هَيْهَاتَ لَا قُرْبِي وَلَا عُنُصْرًا

(همان، ج 2، ص 15)

«وَادَعَيْتُمْ إِلِي نِزَارٍ وَأَتِي صِدْقَكُمْ بَعْدَ أَنْ فَضَحْتُمْ نِزَارًا

وَإِذَا مَا الْفُرُوعِ حِدْنَ عَنِ الْأَصْدِ لِي بَعِيدًا فَمَا قُرْبِي نِجَارًا»

(همان، ج 2، ص 23)

فَلَا نَسَبٌ أَبَدًا السِّيْهِمْ وَهَلْ قُرْبِي لِمَنْ قَطَعَ الْمَنَاظَا

(همان، ج 2، ص 218)

15- تأکید بردوستی آل البيت (علیهم السلام) و دفاع از آنان با مال و جان و زبان چون

شمشیرش:

فَلِسَانِي يَحْكِي حُسَامِي طَوِيلاً بِطَوِيلٍ وَمَا الْغِرَارُ غِرَارًا

(همان، ج 2، ص 26)

أَعْطَيْتُمْ نَفْسِي وَلَا أَرْضِي فِي نَصْرِكُمْ بِالْبَدْلِ لِلْوَفْرِ

(همان، ج 2، ص 130)

16- آوردن امثال و حکم و اقتباسات و تلمیحات قرآنی و حدیثی:

سیدمرتضی در مراثی حسینی از تمثّل به امثال و حکم عربی و اقتباسات و تلمیحات قرآنی که موجب غنای سخن می شود غافل نبوده است. نمونه را، در بیت زیر مثل عربی معروف «هذا أمرٌ من العلقم» را بکار گرفته و گفته است:

لَا تَحْسَبُوهَا حُلُوهً إِنَّهَا      أَمْرٌ فِي الْحَلْقِ مِنَ الْعَلَقَمِ

(همان، ج 3، ص 367)

مراثی حسینی وی از ابیات حکمی هم خالی نیست این گونه ابیات درعین حال که در ارتباط با ابیات پیش یا پس از خود آورده می شوند استقلال هم دارند. وی در یکی از ابیات حکمی خویش می گوید: اگر عضوی از انسان فلج گردد دیگر آن عضو به کار او نخواهد آمد و در حقیقت عضو او به شمار نمی آید؛ چنان که اگر صاحب پرنده‌ای، پرنده خود را پرواز دهد دیگر پرنده‌ای ندارد:

وَعُضُوهَا لَيْسَ بِعُضُوهِ      وَلَيْسَ لِرَبِّ السَّرْبِ سَرْبٌ مُنْفَرٌ

(همان، ج 2، ص 77)

ومی گوید گاهی شمشیرتیز شخص دلاور بر هدف نمی نشیند و شمشیرکنند شخص جنگ ندیده، راست بر هدف می نشیند:

كَمْ مِنْ عَاقِبَةٍ قَدْ نَبَا بِبِئْسَ بِيَمِينِهِ      حُسَامٌ وَكَمْ قَطَّ الضَّرِيْبَةَ مُفْرَفٌ

(همان، ج 2، ص 323)

و در بیت زیر به آیه کریمه تطهیر (قرآن کریم، آیه 33، سوره احزاب): «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» که در منزلت اهل بیت علیهم السلام نازل شده اشاره کرده است:

يَا بَنِي الْوَحْيِ وَالرَّسَالَةِ وَالنَّاطِقِ      هَيِّرْ مِنْ رَبِّهِمْ لَهُمْ إِكْبَارًا

(همان، ج 2، ص 24)

17- وصف: مانند وصف ابرهای باران زا و پُرْأَذِرْخَشْ در بیت

مُقَعِّعٌ تُخَجِّلُ أَصْوَاتُهُ      أَصْوَاتَ لَيْثِ الْغَابَةِ الْمُرْزَمِ

(همان، ج 3، ص 368)

18- اشاره به یک سر پنهان:

سیدمرتضی در بسیاری از مراثی حسینی خود از یک سر پنهان و مکتوم سخن می‌گوید ولی آن را به جهت ملاحظاتی فاش نمی‌سازد. به درستی نمی‌دانیم که آن راز چیست ولی به نظر می‌رسد که وی جهت حفظ وحدت میان مسلمانان و پرهیز از شعله ور شدن آتش اختلافات مذهبی از بیان بسیاری از حقایق تاریخی چشم می‌پوشد:

وَبَيْنَ أَضْلاَعِي سِرِّ لَكُمْ حُوشِي أَن يَدُو وَأَن يَظْهَرَا

(همان، ج 2، ص 17)

وَتَعَلَّمَا أَنَّ الَّذِي كَتَمْتُهُ حَذَرَ الْعِدَا يَأْبِي عَلِي الْكِنَمَانَ

(دیوان، ج 3، ص 459)

لَوْلَا هِنَاتُ هُنَّ يَلُونِنِي لُبَحْتُ بِالْمَكْتُومِ مِنْ سِرِّي

(همان، ج 2، ص 130)

19- اشاره به مسأله شفاعت و پایمردی آل البيت عليهم السلام:

فَإِن يَكُنْ ذَنْبٌ فَقُولُوا لِمَنْ شَفَّعَكُمْ فِي الْعَفْوَانِ يَغْفِرَا

(همان، ج 2، ص 16)

وَإِذَا مَا شَفَّعْتُمْ مِنْ ذُنُوبِ الْـ خَلْقِ طُرّاً كَانَتْ هَبَاءً مُطَارَا

(همان، ج 2، ص 24)

20- اشاره به موعود منتظر (عج): سیدمرتضی با عبارات کنایی مانند «موعود»، «ثائر طال مَطْلُهُ» و «فی غَدِ» به این موضوع اشاره کرده است و اشاره به موعود منتظر (عج) یکی از ویژگی‌های بارز مراثی حسینی است که باید مورد توجه قرار بگیرد. سید، گاهی از مدت طولانی انتظار و طول کشیدن ظهور آن موعود (عج) رنجیده خاطر گشته و گفته است:

حَتَّى مَتَّى الْوَيِّ مَوْعُودِكُمْ أَمَطِلْ مِنْ عَامِ إِلَي شَهْرٍ؟

(همان، ج 2، ص 129)

و گاهی دشمنان را تهدید کرده و امیدوار است که سرانجام آن منتقمی که ظهورش به طول انجامیده خواهد آمد و از دشمنان انتقام نهایی را خواهد گرفت:

وَيَثَارُ مِنْكُمْ ثَائِرٌ طَالَ مَطْلُهُ وَقَدْ تَظْفَرُ الْأَيَّامُ مِنْ لَيْسَ يَظْفَرُ

(همان، ج 2، ص 78)

فی غَدٍ تَبْصُرُ الْعُيُونَ إِذَا مَا      حَلَنَ فَيْكُمْ أَقْبَالَكُمْ إِدْبَارَا  
 (همان، ج 2، ص 21)

«وُعَدْنَا بِمَا مَنَا عُيُونَ كَثِيرَةٌ      شَخُوصَ إِلِي إِدْرَاكِهِ لَيْسَ تَطْرَفُ  
 وَقِيلَ لَنَا حَانَ الْمَدْيَ فَتَوَكَّفُوا      فَيَا حُجَّجًا لِلَّهِ طَالَ التَّوَكُّفُ»  
 (همان، ج 2، ص 325)

21- بیان جاودانه بودن امام حسین (ع) و مکتب سرخ او :  
 سیددربرخ‌ی از ابیاتش بیان می‌کند که برخلاف پندار باطل دشمنان که می‌پندارند امام حسین (ع) مُرد و درگور جای گرفت و با مرگ او همه چیز تمام شد، تنها دیدار خدایش رفته و زنده است:

«لَقِيَ اللَّهَ وَظَنَّ التَّوَكُّفَ      سَأَسُّ أَنْ لَا يَلْقَى شَعُوبَا  
 وَهُوَ فِي الْفِرْدَوْسِ لَمَّا      قِيلَ قَدْ حَلَّ الْجُبُوبَا»  
 (همان، ج 1، ص 62)

22- طلب باران برای قبور مطهر آل‌ال‌بیت علیهم‌السلام :  
 سید به پیروی از سنت شعر عربی در رثا، برای قبور مطهر شهدا طلب باران می‌کند و می‌گوید:

سَقَى اللَّهَ أَحْدَانًا طَوِينٍ عَلَيْكُمْ      وَلَا زَالَ مِنْهَا بِسَهْنٍ رِوَاءُ  
 (همان، ج 1، ص 27)

فَسَقَى اللَّهَ قُبُورًا      لَهُمُ الْعَذَابُ الْعَظِيمُ  
 (همان، ج 2، ص 204)

سپس دست به ابتکار زده و گفته است که صاحبان این قبور در بهشت برین از آب بهشتی سیرابند و نیازی به آب این ابرهای پُرباران ندارند؛ آنان عین رحمتند، پس چه‌سان برایشان طلب رحمت کنم؟

وَمَنْ كَانَ يَسْقَى فِي الْجَنَّةِ كَرَامَةً      فَلَا مَسَّهُ مِنْ ذِي السَّحَابِ مَاءُ  
 (همان، ج 1، ص 27)

وَكَيْفَ أَسْتَسْقِي لَكُمْ رَحْمَةً      وَأَنْتُمْ الرَّحْمَةُ لِلْمُحْرَمِ  
 (همان، ج 3، ص 368)

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

مراثی حسینی سید مرتضی به دور از هرگونه دشواری و پیچیدگی مخلّ است و بنیانش از مقدمه، عرض و خاتمه خالی نیست. او قصیده را با درنگ درخرابه‌های منازل یاران یا سرزمین طف یا با سردادن گریه و یا اظهاراندوه فراوان آغاز می‌کند و با طلب باران برای قبور مطهرشهدا یا با طرح انتقام نهایی توسط موعود منتظر (عج) به پایان می‌برد و مدح و حکمت و فخر و حماسه وصف و فلسفه میان مقدمه و خاتمه یعنی عرض آورده می‌شود.

از بررسی مراثی حسینی سید مرتضی معلوم گردید که این مضامین وسیر و ترتیب آنها به صورت عامدانه و هدفمند و هوشمند توسط وی در مراثی حسینی گنجانیده شده است و تنها مقدار ابیات هر مضمون از قصیده ای به قصیده‌ی دیگر فرق می‌کند. در مراثی حسینی وی از موضوعات خرافی مانند داستان عروسی حضرت قاسم در کربلا، سربرهنه کردن حضرت زینب، صدور فتوی توسط قاضی شریح، داستان شیر و جسد امام حسین (مجمع مدرسین حوزه، مقاله ضیایی، ص 387) و ازغلو ناپسند و مظلوم‌نمایی واسطوره سازی جهت گریاندن و تحت تأثیر قرار دادن مخاطب و از مسائلی اختلاف برانگیز و وحدت شکن و از ایجاد تصاویر خلاف موازین شرعی خبری نیست. مراثی سید مرتضی در پی اثبات حقایق اهل البیت (ع) به ویژه امام حسین (ع) و ارائه تصویری واقعی یا نزدیک به واقعیت از داستان کربلاست و در عین حال تصویرگر عاطفه و احساس وی نیز هست و از نظر محتوا بر وقایع تاریخی، اثبات مستند حقایق اهل البیت (ع) و سیرعامدانه یک سری مضامین از سوی فقیه و متکلم مسلم شیعه، سندی بسیار با ارزش در شعر عاشورایی و شیوه سرودن آن برشمرده می‌شود. در پایان امید است که شاعران معاصر زبان و ادب سترگ فارسی در اشعار عاشورایی خود به موارد مذکور توجه بیشتری داشته باشند.

### منابع و مأخذ

- اسمعیل زاده، محمد، ترجمه و تحلیل ادبی و محتوایی مرثی‌های مرتضی‌سیّد مرتضی، رساله‌ی دکتری به راهنمایی دکتر محمود شکیب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، 1387.
- الأمين، السید محسن، أعيان الشيعة، فقه حسن الأمين، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ١٤٠٣.
- جعفری، سید محمد مهدی، سید رضی، تهران، طرح نو، چاپ دوم، 1378.
- الخوانساری، المیرزا محمد باقر، روضات الجنّات فی أحوال العلماء والسّادات، طهران، الدارالإسلامیة، الطبعة الأولى، ١٩٩١.
- شریفی، محمود، دیدار با ابرار (سید مرتضی)، تهران، چاپ و نشر بین الملل وابسته به انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، 1384.
- القرآن الکریم .
- الأنطاکی، محمد مرعی الأمين، لماذا اخترت مذهب الشيعة مذهب أهل البيت، مکتب الإعلام الإسلامی، الطبعة الأولى، ١٤١٧ هـ . ق، قم المقدّسة .
- الطهرانی، العلامة الشیخ آقا بزگ، الذریعة الی تصانیف الشيعة، بیروت، دار الأضواء، الطبعة الثانية، ٩ .
- العاملي، الشیخ محمد بن الحسن، وسائل الشيعة، مؤسسة آل البيت، ١٤٠٩، قم المقدّسة .
- القندوزي الحنفي، سليمان بن ابراهيم، يتابع المودة لدوي القروي، تحقیق سید علی جمال أشرف الحسینی، دارالأسوة، الطبعة الثانية، ١٤٢٢ هـ . ق، قم المقدّسة.
- المرتضی، علی بن ابی أحمد، دیوان الشریف المرتضی، شرح الدكتور محمد التونجي، بیروت، دارالجليل، الطبعة الأولى، ١٩٩٧
- .....، دیوان الشریف المرتضی، شرح الصفار رشید، بیروت، دارالبلاغه، الطبعة الأولى، ١٤١٨.
- دارالتقريب بين المذاهب الإسلامية بالقاهرة، مجلّة رسالة الإسلام، مقالة حول ديوان الشریف المرتضی بقلم عبدالسلام محمد هارون، العدد الثاني، السنة الحادية عشرة، ١٩٥٩.
- مركزالبحوث والدراسات العليا، مسائل الناصريّات، للشريف المرتضی، طهران، رابطة الثقافة والعلاقات الإسلامية، ١٩٩٧.
- محیی الدین، عبدالرزاق، ادب المرتضی من سيرته وآثاره، ترجمه جواد محدثی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، 1373 .
- مجمع مدرّسين حوزه علمیه قم، عاشورا عزاداری تحریفات، انتشارات صحیفه خرد، چاپ اول، 1385، قم.

## المراثی الحسینیة ومضامینہا فی دیوان الشریف المرتضی

الدكتور محمود شکیب

أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة طهران

الدكتور محمد اسمعیل زاده

خريج جامعة آزاد الإسلامية فرع العلوم والتحقيقات بطهران

### الملخص

أبو القاسم علي بن أبي أحمد الحسين ( ٣٥٥هـ - ٤٣٦هـ ) المشهور بالشريف المرتضى من كبار فقهاء الشيعة الإمامية كان متوحدًا في علوم كثيرة مثل علم الكلام والفقه وأصول الفقه والأدب والنحو والشعر ومعاني الشعر واللغة. ما كان يطمح بالخلافة والمناصب الحكومية، نلقاه مصروفًا عن هذا المطمع مشغولًا بالعلم والتدريس والتأليف بينما كان أخوه الشريف الرضي طموحًا لنيل الخلافة. تولّى المرتضى نقابة الطالبين وإمارة الحج والنظر في المطالم بعد أخيه الرضي اضطرارًا. كان المرتضى فصيح اللسان منذ طفولته مطبوعًا على الشعر فقاله صبيًا ويُعدّ شعره مرآة صادقة للعصر الذي كان يجياه. و بما أنه كان ذا ثراء عريض و سعة في العيش فلم يكن يستجدي بشعره .

الشريف المرتضى شاعرٌ فحلُّ لكتفه لم يحظَ في الشعر بمثل شهرة أخيه الشريف الرضي ولعل ذلك يرجع الى حسّاده وخصومه. رثى الشريف المرتضى جدّه سيّد الشهداء الإمام الحسين (ع) بأربع عشرة قصيدة تضمّ ستمائة وستة وتسعين بيتًا. لقد دافع المرتضى في هذه المراثى المؤلمة المبكية التي كان ينظمها عادةً في يوم عاشوراء عن مبادئ الفكر الشيعي والتزم بالشيعة والتشيع . تناول هذه المراثى موضوعات كثيرة نضع أهمها بين أيدي القراء بشكلٍ موجزٍ . و جديرٌ بالذكر أنّ لدراسة هذه المضامين أهمية خاصة لأن الشريف المرتضى كان فقيه الشيعة الإمامية الأكبر و سيبين خلال هذه المقالة المتواضعة كيف رثى الشريف المرتضى الإمام الحسين (ع) وأصحابه الكرام وكيف هجا بني أمية والذين ظلموا آل البيت عليهم السلام وما هي الحقائق أو الأحداث التي وضع الشاعر النقطة على حروفها وما هي العبر التي يضعها بين أيدينا لتطبّقها على واقعنا المعاش .

المفردات الرئيسية : الرثاء ، المراثى الحسينية، الشريف المرتضى .

